

تحلیلی بر عوامل پیش‌برنده فقر مسکن در سکونتگاه‌های روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان دهگلان)

افشین بهمنی^{*۱}، حامد قادرمرزی^۲

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی

(دریافت: ۱۳۹۸/۳/۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۰)

**An Analysis of the Factors Promoting Housing Poverty in Rural Settlements
(Case Study: Dehgolan Township)****Afshin Bahmani^{*1}, Hamed Ghadermarzi²**

1. Ph.D. of Geography and Rural Planning, University of Tehran

2. Assistant Professor, Department of Geography, Kharazmi University

(Received: 25/May/2019)

Accepted: 31/May/2020

Abstract

Poverty is a universal, complex and multifaceted phenomenon. This phenomenon exists relatively in all societies. What poses poverty as a serious challenge to policymakers is the lack of access to basic living standards such as housing, food and clothing. The purpose of the present study is to identify the factors that lead to housing poverty and to measure the degree of poverty in rural areas of Dehgolan Township. This research is of applied type and its nature is descriptive-analytical. The method of data collection is both documentary and field and the questionnaire has been used as the main tool for collecting field data. Exploratory factor analysis (EFA), SERVQUAL technique, IPA matrix and poverty census index (HI) were used to analyze the data. Based on the findings of factor analysis, 38 statements were identified and named in the form of 10 sub-criteria and 4 factors (physical and functional poverty, poverty of security and comfort, poverty of enjoyment and health, and supportive and legal poverty). These four factors explain 81.8% of the cumulative variance of the factors contributing to rural housing poverty. The results show that although the quality of new rural housing in various dimensions is relatively favorable and rural housing poverty is reduced in various dimensions, but there are differences between the expected average and perceived quality. This has led to a kind of weakness, especially in the physical and economic dimensions, and the main reason is the change in the functional spaces of the native houses and the low payment facilities.

Keywords: Poverty, Rural Poverty, Housing Poverty, Dehgolan Township.

چکیده

فقر پدیده‌ای جهان‌شمول، پیچیده و چندوجهی است که متناسب با سطحی از حداقل‌ها در تمامی جوامع به صورت نسبی نمایان می‌شود. آنچه که مسئله فقر را به عنوان چالشی جدی پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده، مربوط به عدم بهره‌مندی از حداقل‌های زیستی (مسکن، خوراک، پوشاک) است. از این رو هدف از تحقیق حاضر، شناسایی عوامل پیش‌برنده فقر مسکن و سنجش درجه این نوع فقر در نواحی روستایی شهرستان دهگلان است. تحقیق از نوع کاربردی و ماهیت آن توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی صورت گرفته و از پرسشنامه به عنوان مهمترین ابزار جمع‌آوری داده‌های میدانی بهره گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی (EFA)، تکنیک سروکوال، ماتریس IPA و شاخص سرشمار فقر (HI) استفاده شد. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی، ۳۸ گزاره، در قالب ۱۰ زیرمعیار و ۴ عامل (فقر کالبدی و عملکردی، فقر امنیت و آسایش، فقر برخورداری و بهداشت و فقر حمایتی و قانونی) شناسایی و نام‌گذاری شد که چهار عامل یاد شده، ۸۱/۸ درصد واریانس جمع‌آوری عوامل پیش‌برنده فقر مسکن روستایی را تبیین می‌کنند. با در نظر گرفتن پیش‌رمان‌های فقر مسکن روستایی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه کیفیت مسکن جدید روستایی در ابعاد گوناگون وضعیت نسبتاً مطلوبی داشته و فقر مسکن روستایی در ابعاد مختلف کاهش یافته، اما تفاوت‌هایی بین میانگین مورد انتظار و کیفیت درک شده وجود دارد، که موجب پدیدار شدن نوعی ضعف به ویژه در ابعاد کالبدی و اقتصادی شده و دلیل عمده آن، تغییر در فضاهای عملکردی خانه‌های بومی و پایین بودن تسهیلات پرداختی است.

واژه‌های کلیدی: فقر، فقر روستایی، فقر مسکن، شهرستان دهگلان.

*Corresponding Author: Afshin Bahmani

E-mail: Afshin.bahmani@ut.ac.ir

مقدمه

خانه به عنوان مهم‌ترین گستره فضایی حضور و رشد انسان و همچنین اولین طرح و گسترده‌ترین دستاورد در معماری، نقطه‌ای است که شکل محیطی مفروض را به مکانی مسکوت تغییر می‌دهد (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۸) و نخستین جایی است که انسان احساس تعلق به فضا را در آن تجربه می‌کند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵). مسکن روستایی مبدأ و مقصد زندگی انسان و تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی بوده (موسی‌پور، ۱۳۹۷: ۴) و متناسب با نیازهای ساکنین شکل گرفته است. دخل و تصرف‌های صورت گرفته در ساختار فیزیکی و ابعاد عملکردی خانه روستایی و سطح بالای آسیب‌پذیری خانه‌ها، متأثر از نوع مصالح و طولانی بودن زمان ساخت، فقر سکونتی را برای ساکنین به وجود آورده و دامنه فقر روستایی را گسترش داده است. فقر به عنوان مانعی جدی برای توسعه و پیشرفت جوامع، در گذشته به سطحی از درآمد اطلاق می‌شد که فقرا از دسترسی به آن ناتوان بودند (Zhou & et al, 2018: 17؛ 1: Zhou & Liu, 2019). امروزه فقر نه تنها به عنوان عدم دستیابی به ضرورت‌های مادی، بلکه به عنوان نفی بهره‌مندی از زندگی شایسته قلمداد می‌شود (Delgado & Klasen, 2018: 466). به این دلیل است که سازمان ملل متحد یکی از اهداف مهم توسعه پایدار در افق ۲۰۳۰ را پایان دادن به فقر در تمامی ابعاد آن در نظر گرفته است (Griggs & et al, 2013). می‌توان گفت پدیده فقر به طور گسترده مسئله‌ای روستایی است. فقر می‌تواند گسترده، چند بعدی، ذهنی و متغیر در طول زمان، شامل قابلیت‌ها و رفاه باشد (یاسوری و امامی، ۱۳۹۷: ۹۷؛ Benevenuto & Caulfeild, 2019: 115). یکی از ابعاد فیزیکی فقر روستایی فقر مسکن است که امروزه در سطح جهان به یک وضعیت هشدار دهنده تبدیل شده است (Sengupta, 2010: 31). بین مسکن و پدیده فقر، رابطه دوسویه وجود دارد؛ بد مسکنی متأثر از فقر درآمدی بوده و همسویی فقر درآمدی با فقر مسکن، موجب تشدید فقر در سایر ابعاد زندگی خواهد شد. به همین دلیل فقر به عنوان یکی از مهمترین نگرانی سیاست‌گذاران مطرح بوده و به طور مستقیم سطح رفاه جمعیت را تحت تأثیر تبعات منفی خود قرار می‌دهد (Nakabashi, 2018: 445). عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، سوخت مصرفی غیر استاندارد، مصالح

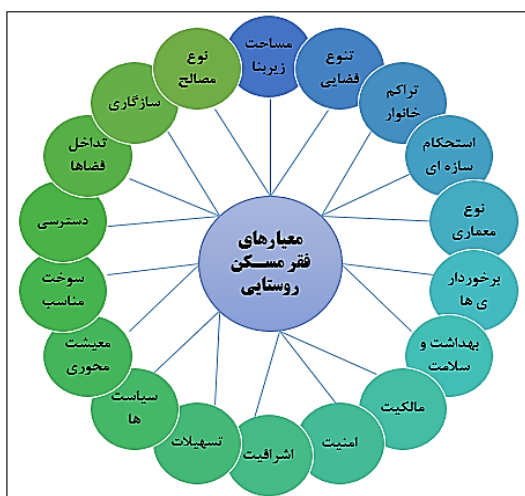
غیر مقاوم و نداشتن مالکیت خانه، از ابعاد فقر مسکن در نواحی روستایی به شمار می‌رود (Alkire & et al, 2017: 233). با توجه به کیفیت مطلوب برخی جنبه‌های مسکن شهری، می‌توان با انتقال این استانداردها به ویژه در زمینه شهرسازی و مقاوم سازی مسکن، به کاهش فقر چند بعدی در مناطق روستایی اقدام نمود (Arouri & et al, 2017: 254). همچنین بازسازی فضایی عناصر کالبدی روستاها و اسکان مجدد روستاییان در مسکن برخوردار از حداقل استانداردهای زیستی، موجب کاهش فقر سکونتی و سایر جنبه‌های فقر خواهد شد (Lo & et al, 2016: 497). به طور کلی فقر در برگیرنده ابعادی از جمله فقر درآمدی، فقر مسکن، فقر بهداشتی، فقر آموزشی، فقر غذایی و فقر حمل و نقل است (شیروانیان، ۱۳۹۱: ۲۷) که اگر به طور جزئی‌تر به فقر مسکن توجه شود، ابعاد جدیدی از جمله فقر در برخورداری، فقر در میزان امنیت، فقر در بهداشت خانه و فقر کالبدی (پایین بودن ضریب استحکام سازه‌ای) مطرح خواهد شد (قادرمرزی و بهمنی، ۱۳۹۸: ۲۰۵). مسکن روستایی عینیتی سازمان یافته از فعالیت‌های اقتصادی و مناسبات اجتماعی است که هرگونه دخل و تصرف در این ساختار کالبدی مستلزم مد نظر قرار دادن وجوه مختلف زیستی از جمله معیشت، سکونت و پایداری است. خانه‌های کنونی واقع در مناطق روستایی از ابعاد گوناگون با فقر و محرومیت مواجه بوده و بررسی مسئله فقر مسکن بدون لحاظ رویکرد چند بعدی میسر نخواهد بود. فقر مسکن که محرومیت و تبعیض را در جوامع گسترش داده، در مقابل مسکن مناسب یا پایدار قرار می‌گیرد که برای ساکنین انگیزه پیشرفت را مهیا می‌کند (Gibb & et al, 2015: 2). می‌توان گفت امروزه وضعیت مسکن در نواحی روستایی منجر به دور تسلسل فقر شده، زیرا بخش قابل توجهی از مسکن، از دوام و استحکام لازم برخوردار نبوده و همچنین، تصمیمات دولتی در حوزه مسکن، متناسب با نیاز، ماهیت و عملکرد فضاهای روستایی نیست، که این مسئله موجب تشدید فقر و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای روستایی شده است. مسکن روستایی به نوعی دچار تله فضایی شده و ساکنین نیز در تله فقر محصور شده‌اند. فقر مسکن روستایی متمایز با فقر مسکن در سکونتگاه‌های شهری است. علیرغم وجود معیارهای مشترک برای سنجش فقر مسکن در مناطق شهری و روستایی از جمله برخورداری از زیرساخت‌های خدماتی

اقتصادی جوامع محلی است (Chen & et al, 2015: 666). امکانات معیشتی، ابعاد مختلف نیازهای اساسی از قبیل نیاز به غذا، بهداشت و درمان، مسکن، آموزش و پرورش، سوخت و غیره را در برمی‌گیرد. هر خانواده‌ای که در تأمین هر یک از این نیازها در حد کفایت ناتوان باشد، می‌توان آن خانواده را فقیر دانست (غفاری و حق‌پرست، ۱۳۸۳: ۳۳). یکی از بازتاب‌های کالبدی فقر، تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های فقیرانه است. اهمیت موضوع نابسامانی‌های کالبدی و ارتباط آن با فقر به این دلیل است که در سال‌های اخیر، تعداد مسکن فقیرانه رو به فزونی گذاشته است (نصیری، ۱۳۸۶: ۲۲۴). مسکن نهادی است که در راستای رشته‌ای از مقاصد پیچیده به وجود آمده و صرفاً یک ساختار نیست. امروزه مسکن نه تنها به عنوان یک سرپناه بلکه به عنوان هویت، امنیت و منبع سرمایه در بین ساکنین یک جامعه مطرح است (پورغفار مغفرتی و پوررمضان، ۱۳۹۷: ۲۴۹). تغییرات در مسکن روستایی، ساخت و مسکن را در مقابل یکدیگر قرار داده، به طوری که با نگاهی دوباره به معماری یا به عبارتی ساختمان خانه‌های امروزی کفایت تا جدال پیوسته میان ذات و کیفیت جدید واگذار شده به دید آید. در مسکن نوین روستایی به واسطه حذف فضاها عملکردی و تغییرات عملکرد زیستی - معیشتی به کارکرد صرفاً زیستی، خانه سنتی روستایی معنای ریشه‌دار خود را از دست داده و به مسکن شبه شهری تغییر یافته است.

امروزه در خانه، اغتشاش و تداخل میان فعالیت‌های روزمره افراد و تأثیر آن بر روابط اجتماعی درون خانوادگی و برون خانوادگی و عدم تناسب میان الگوی فعالیت‌ها و روابط افراد از سویی و فضاها خانه از سوی دیگر منجر به نارضایتی ساکنین شده (سخت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۷: ۲۹) همچنین بخشی از مسکن سنتی روستایی به دلیل نداشتن دوام کافی، غیر ایمن بودن و نبود امکانات بهداشتی و اساسی، در زمره فقر سکوتی قرار می‌گیرند (قادرمرزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹) زیرا محرومیت از مسکن مناسب برابر با فقیر بودن در نظر گرفته می‌شود (Naveed & Islam, 2010: 3). فقر مسکن بخشی از فقر روستایی است که امروزه به چالشی فراگیر و پدیده‌ای مزمن تبدیل شده که نوعی تله فقر را برای نسل‌های بعدی ایجاد می‌کند و آسیب‌پذیری ساکنین را به ویژه از جنبه اجتماعی - اقتصادی تشدید می‌نماید (Lamanna & et al, 2019: 34). آسیب‌پذیری روستاییان به لحاظ فعالیت‌های اقتصادی و پایین

(آشپزخانه، حمام، توالت و غیره)، مقاوم‌سازی و استحکام مصالح مورد استفاده و همچنین برخورداری از محرمیت با رعایت قاعده اشرافیت، مسکن روستایی خصیصه‌هایی دارد که با فعالیت‌های اقتصادی ساکنین پیوند خورده و هرگونه تغییر در ساختار فضایی و عملکردی آن، در معیشت محوری مسکن، وضعیت درآمدی خانوارها و نوع فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار خواهد بود. تار و پود معماری مسکن روستایی با مسائل مربوط به محیط طبیعی، نوع معیشت و شکل تولید، سیر تکوینی زندگی اجتماعی و قدرت فنی روستاییان پیوند خورده است (شفایی، ۱۳۹۷: ۴). الگوپذیری مسکن بومی روستایی از ساختار ذهنی و اجتماعی روستاییان (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷) و تنوع فضایی - عملکردی مسکن روستایی موجب شده که کارکرد خانه‌های روستایی متفاوت و فراتر از کارکرد مسکن واقع در نقاط شهری باشد (قدیری معصوم و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۴). لذا اقدامات مداخله‌گرانه در راستای نوسازی مسکن باید به گونه‌ای باشد که باعث تضعیف عملکرد زیستی - معیشتی خانه‌های روستایی نشده و موجبات تشدید فقر در سایر زمینه‌ها را تسهیل ننماید. فقر مسکن الزاماً به معنای فرسودگی و عدم مقاومت سازه‌ای مسکن روستایی در برابر مخاطرات طبیعی نیست. نوسازی مسکن روستایی بدون در نظر گرفتن نوع معماری، تنوع فضایی، عملکرد چند وجهی و زیربنای خانه‌ها، منجر به پدیدار شدن سیمای دیگری از فقر مسکن در نواحی روستایی شده است. فقر مسکن بعنوان یکی از ابعاد فقر، چه در نواحی شهری و چه سکونتگاه‌های روستایی به درجه زیست‌پذیری مسکن از جنبه‌های گوناگون فضایی - عملکردی اشاره دارد. زیرا زندگی ساکنین را در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد تهدید قرار می‌دهد. شهرستان دهگلان به عنوان یکی از شهرستان‌های استان کردستان با تعداد ۱۰۵ روستای دارای سکنه و سهم ۵۴/۴ درصدی از جمعیت روستایی، در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۹۷۴۷ واحد مسکونی روستایی را در خود جای داده که با وجود طرح‌های توسعه مسکن، به نظر می‌رسد در ابعاد گوناگون با فقر مسکن روستایی روبه‌روست. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که عوامل پیش‌برنده فقر مسکن روستایی کدامند و وضعیت فقر مسکن در مناطق روستایی شهرستان دهگلان چگونه است.

فقر به معنای عدم برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی و امکانات معیشتی متناسب با ساختار اجتماعی و



شکل ۱. جنبه‌های متعدد فقر مسکن روستایی

در رابطه با پدیده فقر مسکن روستایی در کشور مطالعات چندانی صورت نگرفته و در اغلب تحقیقات به مسئله فقر به طور عام و کلی در مناطق روستایی توجه شده است. تحقیق حاضر با درک اهمیت و ضرورت بررسی مسئله مهم فقر مسکن روستایی و آسیب‌پذیری آن به ویژه طی یک سال اخیر به دلیل وقوع مخاطرات طبیعی، ضمن شناسایی شاخص‌ها و معیارهای سنجش فقر مسکن روستایی، به پدیده فقر مسکن به عنوان معضلی چند وجهی نگریسته است. به این منظور، خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیقات مشابه با موضوع تحقیق قابل توجه است.

تی وو^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان ابعاد فقر و آسیب‌پذیری خانوارها در کشور ویتنام دریافته است که فقر پدیده‌ای گذرا بوده و ممکن است در مقطعی از زندگی ظهور یابد و بخش‌هایی از زندگی از جمله تأمین مسکن را با محدودیت مواجه کند. وی دریافته است که افرادی با سطح درآمدی بالای خط فقر اما آسیب‌پذیر، ممکن است در مراحل زندگی از جمله بعد از ازدواج با محدودیت‌هایی برای تهیه مسکن مواجه شوند و نسبت به مالکیت مسکن برای مدتی فقیر بمانند یا از فقر مودی وارد مرحله فقر شدید و مزمن شوند.

بورلینسون^۲ و دیگران (۲۰۱۸)، در پژوهشی ارتباط سنجی بین فقر مسکن و فقر سوخت را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که فقر سوخت در مسکن روستایی به اشکال مختلف موجب افزایش ناامنی و تشدید فقر می‌شود. از یک سو با بهره‌گیری از سوخت‌های غیر استاندارد برای تأمین گرمایش خانه اقدام می‌کنند که امنیت جانی ساکنین را تهدید نموده و از سوی دیگر، قطع درختان جنگلی و استفاده از آن به عنوان

بودن سطح درآمدی از دلایل عمده فقر در سایر جنبه‌های زندگی به ویژه فقر مسکن است (Thiede & et al, 2016: 183). با انعطاف‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی و تخصیص بخشی از فضای خانه روستایی به فعالیت‌های اقتصادی در قالب مشاغل مرتبط با بخش کشاورزی یا سایر مشاغل خانگی می‌توان بخشی از پیامدهای فقر روستایی را جبران و عملکرد اقتصادی خانه روستایی را به شیوه امروزی احیا کرد (Li & et al, 2019: 32).

فقر از خطرناک‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک ملت را تهدید می‌کند و از دردآورترین و غمناک‌ترین معضلات اجتماعی بشر در طول تاریخ بوده که دامن‌گیر جامعه انسانی شده و تلاش‌های بشریت نتوانسته این مشکل بزرگ اجتماعی را حل کرده و از میان ببرد (راغفر و یوسفوند، ۱۳۹۰: ۱۶۰). فقر مسکن در ایران در نواحی شهری و روستایی معانی متفاوتی داشته به طوری که در مناطق شهری، فقر مسکن عمدتاً به صورت مسکن غیر رسمی جلوه می‌نماید، اما فقر مسکن در نواحی روستایی عمدتاً ناشی از بی‌دوامی‌سازه و مصالح ساختمانی کم دوام و نیز تعداد اتاق است (اطهاری، ۱۳۸۴: ۱). پایین بودن کیفیت بهداشتی مسکن به لحاظ برخورداری از امکانات حمام، توالت و آشپزخانه، پایین بودن ضریب امنیت اجتماعی، عدم حفظ قاعده اشرافیت، کاهش سطح زیربنا و حذف فضاهای متعدد معیشتی، مصالح نامرغوب و عایق‌بندی نامناسب پشت‌بام مسکن و همچنین تراکم چندخانواری در واحدهای مسکونی از جمله زمینه‌های پدیدار شدن فقر مسکن روستایی است. یونیسف (۲۰۰۵) برای اندازه‌گیری فقر کودکان در فضای خانه، معیارهایی از جمله دستیابی به خدمات ضروری به ویژه تغذیه، آب، فاضلاب، سرپناه، آموزش و اطلاعات را در نظر گرفته است (UNICEF, 2005). علاوه بر معیارهای یاد شده، برای اندازه‌گیری فقر مسکن روستایی در ایران می‌توان به شاخص‌هایی نظیر میزان ساخت و کمبود مسکن، برخورداری از زیرساخت‌های اساسی و انشعابات ضروری، استحکام و میزان مقاومت سازه‌های خانه‌ها، نحوه تصرف و نوع مالکیت واحد مسکونی، عملکرد خانه‌ها، سطح زیربنا و نوع مصالح، برخورداری از سوخت استاندارد و متعارف و سایر موارد اشاره نمود. فقر به طور عام پدیده‌ای چند وجهی است و فقر مسکن به طور خاص، از ابعاد گوناگونی شکل می‌گیرد. شکل ۱ ابعاد و زمینه‌های فقر مسکن روستایی را نشان می‌دهد.

1. T. VO

2. Burlinson

اطهراری (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان فقر مسکن در ایران، فقر سیاست اجتماعی، به این نتیجه رسیده که فقر مسکن در مناطق شهری و روستایی با یکدیگر متفاوت بوده و معیارهای اندازه‌گیری آن نیز متمایز از یکدیگر است. در مناطق شهری، فقر مسکن عمدتاً به صورت اسکان غیررسمی نمایان می‌شود، اما در مناطق روستایی، فقر مسکن ناشی از بی‌دوامی سازه و نوع مصالح ساختمانی و نیز تعداد اتاق است و به طور کلی، ابعاد فقر در روستا فراتر از شهر و به طور خاص، فقر مسکن در آن نیز بیشتر است.

غفاری و حق‌پرست (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان نشانگرهای فقر در مناطق روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که ضعف در زمینه‌هایی از جمله مسکن، وسایل نقلیه، اشتغال، سطح زیر کشت، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی و دسترسی به رسانه‌ها به عنوان جنبه‌های گوناگون فقر در نواحی روستایی مطرح هستند.

برای تبیین نظری فقر، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ در اقتصاد سیاسی با نگاهی کلان‌گرایانه، فقر روستایی کشورهای فقیر، نتیجه روندی است که طی آن ثروت و قدرت در دست گروه‌های خاصی متمرکز می‌شود. محیط‌شناسان طبیعی، دو عامل رشد جمعیت و فشار حاصل بر منابع طبیعی و زیست محیطی را عامل فقر روستایی می‌دانند. در این نگاه عدم کنترل رشد جمعیت و فقدان مدیریت بهره‌برداری از منابع طبیعی با یکدیگر دایره‌ای بسته را پدید می‌آورند. بدین معنی که هر چه جمعیت بیشتر باشد، در دراز مدت تخریب محیط‌زیست بیشتر خواهد بود. دیدگاه کثرت‌گرایانه علاوه بر این که بر کل‌گرایی از حیث موضوعی و روش پژوهش تأکید دارد، توجه ویژه‌ای به مردم روستا نیز دارد، زیرا در دیدگاه کثرت‌گرایی مرکز واقعی توجه و یادگیری، روستا بوده و مردم روستا از جایگاه خاصی برخوردار هستند (غفاری و حق‌پرست، ۱۳۸۳: ۳۵). جغرافیدانان فقر را در ارتباط با شرایط محیطی مورد ارزیابی قرار می‌دهند، فضا و چشم‌اندازهای مختلف نواحی، باعث ظهور رفتارها، نگرش‌ها و فرایندهای اجتماعی متفاوتی می‌شود. برخی از فضاهای جغرافیایی به دلایل متعدد از جمله محدودیت‌های محیطی و اوضاع نامناسب جوی، زمینه‌های فقر و نابرابری را در توزیع امکانات و منابع برای ساکنین فراهم نموده و به صورت بالقوه، قابلیت تبدیل شدن به مناطق فقیرنشین را دارند. از دیدگاه اقتصاددانان، هنگامی می‌توان گفت که افراد، خانوارها و گروه‌هایی از جمعیت در فقر به سر می‌برند که فاقد منابع برای دستیابی به تنوع غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و

هیزم، موجب فقر محیطی و ناامنی در طبیعت خواهد شد. او سولیوان^۱ و دیگران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با موضوع سرما، مسکن و فقر جوانان به این نتیجه رسیده‌اند که بخشی از فقر مسکن مربوط به ضعف در زیرساخت‌های گرمایشی و مصالح نامرغوبی است که پوششی امن را به لحاظ در امان ماندن از شرایط قهری آب و هوایی برای ساکنان فراهم نمی‌کند. آن‌ها به نقش و عملکرد ضعیف دولت در تأمین طرح‌ها و سیاست‌گذاری بهینه، جهت تأمین مسکن مناسب اذعان نموده‌اند.

بیرچ^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای رابطه بین فقر و مسکن را بررسی کرده و بر این عقیده است که تأمین مسکن پایدار و ارزان قیمت، روشی برای تقلیل افراد بی‌خانمان و کاهش فقر است. مسکن از یک سو به واسطه درآمدزایی و ارزش سرمایه‌ای ثابت می‌تواند موجب کاهش فقر و از سوی دیگر با افزایش سهم هزینه مسکن از کل هزینه ماهانه خانوار، باعث تشدید فقر شود. بنابراین بین مسکن و فقر ارتباطی دوسویه برقرار بوده و پیامدهای متفاوتی از ارتباط این دو، حاصل می‌شود.

محمدی‌یگانه و دیگران (۱۳۹۶)، وضعیت فقر مسکن خانوارهای روستایی را در استان زنجان تحلیل کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده که فقر مسکن در نتیجه ناامنی در برخورداری از حق مالکیت شخصی، کاهش سطح زیربنای خانه‌ها و تغییر عملکرد مسکن روستایی از زیستی - معیشتی به عملکرد صرفاً زیستی به وجود آمده است.

راغفر و یوسفوند (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان فقر مسکن و تغذیه کودکان در تهران دریافته‌اند که در خانوارهایی که با فقر مسکن مواجه هستند، خطر شدید ناامنی غذایی وجود داشته و ارتباط دوسویه‌ای بین فقر مسکن و وجود فرد معتاد در خانوار، محرومیت آموزشی ساکنین و سوء تغذیه وجود دارد.

شیروانیان و دیگران (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چند بعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران دریافته‌اند که فقر مسکن در اکثر مناطق روستایی کشور وجود دارد، این در حالی است که فقر درآمدی حدود ۵۷ درصد خانوارهای روستایی را دربرمی‌گیرد. عمق فقر روستایی به گونه‌ای بوده که خانوارهای روستایی به طور متوسط از دسترسی به حدود ۴۰ درصد از نیازهای مسکن مناسب محروم هستند.

داده‌ها و روش کار

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، سرپرستان خانوار نواحی روستایی شهرستان دهگلان است. با توجه به این که تحقیق از نوع موردی و مقایسه تطبیقی بوده، از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده استفاده شد و از طریق روش کوکران، تعداد ۳۰۰ نفر سرپرست خانوار به عنوان نمونه انتخاب شد. شیوه گردآوری داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی انجام گرفته، به طوری که در راستای بررسی تجربیات و نتایج مطالعات مرتبط با موضوع و همچنین تدوین ادبیات نظری تحقیق با هدف شناسایی مهم‌ترین جنبه‌های فقر مسکن روستایی از اسناد، مقالات و منابع مکتوب استفاده شد و به منظور حصول اطلاعات عینی و ارزیابی کیفیت درک شده توسط ساکنین از جنبه‌های فقر مسکن در نواحی روستایی، از روش میدانی به واسطه ابزارهایی از جمله پرسشنامه و مصاحبه بهره گرفته شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. بدین ترتیب جهت شناسایی و نام‌گذاری مهم‌ترین جنبه‌های فقر مسکن روستایی از روش تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) استفاده شد. سپس با استفاده از تکنیک سروکوال، سطح اهمیت-کیفیت مسکن روستایی از جنبه‌های شناسایی و از دیدگاه ساکنین ارزیابی و به منظور درک بهتر یافته‌ها، از ماتریس IPA بهره گرفته شد. در ادامه پژوهش با توجه به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های محوری فقر مسکن روستایی (میزان استحکام خانه‌ها)، نسبت سرشماری فقر مسکن برای تمامی دهستان‌های شهرستان دهگلان محاسبه و با ارائه نقشه فقر مسکن روستایی، دهستان‌های شهرستان اولویت‌بندی شد.

شهرستان دهگلان در نظام تقسیمات کشوری در بخش شرقی استان کردستان واقع شده است. این شهرستان تا قبل از سال ۱۳۸۶، بخشی از شهرستان قروه بوده که بعد از این تاریخ به عنوان شهرستانی مجزا تفکیک شد. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، شهرستان دهگلان دارای ۲ بخش، ۲ شهر، ۵ دهستان و ۱۰۵ آبادی مسکونی است (جدول ۱ و شکل ۲). جمعیت این شهرستان طبق سرشماری ۱۳۹۵، ۶۴۰۱۵ نفر بوده که ۵۴/۴ درصد آن را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. همچنین تعداد خانوار و تعداد واحد مسکونی روستایی شهرستان دهگلان به ترتیب ۱۰۶۰۵ خانوار و ۹۷۴۷ واحد مسکونی است.

برخورداری از شرایط و تسهیلاتی در زندگی باشند که متعارف قلمداد می‌شوند. در جامعه‌شناسی دو رویکرد کاملاً متمایز برای شناخت و تحلیل فقر وجود دارد؛ نخست، رویکرد مارکسی و دوم، رویکرد وبری. از دیدگاه مارکسی، فقر در یک جامعه سرمایه‌داری، فقط طبق نظامی از نابرابری‌های ناشی از اقتصاد سرمایه‌داری قابل درک است. دیدگاه وبری در نقطه مقابل دیدگاه مارکس، به تفاوت‌های ثروت در میان طبقه کارگر حساس است. بر اساس این دیدگاه، گروه‌هایی از قبیل سالخوردگان، مبتلایان به بیماری‌های مزمن و خانوارهای بد سرپرست، قدرت اندکی در بازار دارند (قادرمرزی و بهمنی، ۱۳۹۷: ۲۵۴). فیتزپاتریک^۱ برای تبیین فقر از چهار رویکرد نام می‌برد:

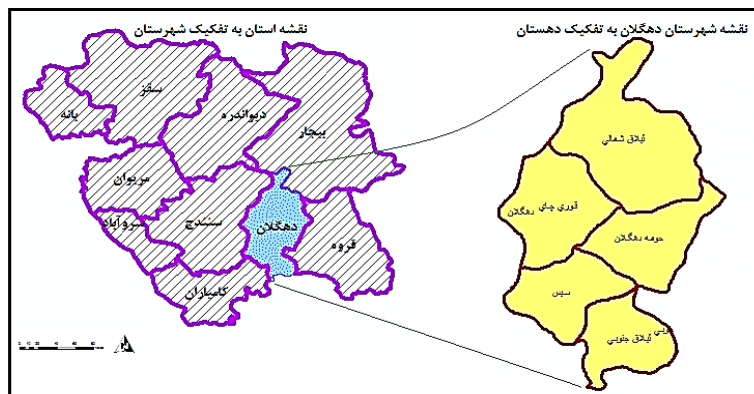
۱. رویکردی که فقر را نوعی آسیب و رفتار می‌داند.
۲. رویکردی که بر روی عوامل محیطی تأکید دارد.
۳. رویکردی که بر روی شکست سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی تکیه می‌کند.
۴. رویکردی که فقر را تابع و ناشی از نظام سرمایه‌داری می‌داند (Fitzpatrick, 2001: 95).

علاوه بر رویکردهای نظری مربوط به فقر، برای اندازه‌گیری فقر نیز دو رویکرد وجود دارد؛ رویکرد تک بعدی و رویکرد چند بعدی فقر مسکن روستایی. در مورد نخست، نرخ فقر هر ویژگی، با خط فقر مطلق خود سنجیده می‌شود. رویکرد چند بعدی به فقر، که فقر مسکن را مجموعه‌ای از شاخص‌های وابسته به آن می‌داند و محرومیت از هر کدام از معیارها، فقر مسکن را در پی دارد و نرخ فقر را با یک خط فقر تجمیع شده می‌سنجد.

با توجه به بررسی ادبیات مفهومی تحقیق و پیشینه مطالعات صورت گرفته در رابطه با فقر مسکن روستایی، می‌توان گفت فقر روستایی به عنوان زیرمجموعه‌ای از فقر عمومی، دارای وجوه گوناگونی است و هریک از این وجوه نیاز، جنبه‌های مختلفی از فقر را در برمی‌گیرند. فقر مسکن به عنوان یکی از وجوه فقر روستایی، دارای ابعاد متنوعی است، بنابراین در بررسی مسئله فقر مسکن روستایی باید رویکرد چند بعدی را در پیش گرفت. در تحقیق حاضر با توجه به تنوع شاخص‌ها، تلفیقی از رویکرد تک بعدی و چند بعدی برای اندازه‌گیری فقر مسکن استفاده شده است.

جدول ۱. تعداد دهستان‌ها و روستاهای شهرستان دهگلان

شهرستان	بخش	دهستان	تعداد روستا	جمعیت روستایی
دهگلان	مرکزی	نیلاق شمالی	۲۰	۴۶۰۱
		حومه دهگلان	۲۲	۷۰۵۴
		قوری چای	۲۱	۷۵۷۴
	بلبان آباد	نیلاق جنوبی	۲۰	۹۲۵۴
		سیس	۱۵	۶۳۴۷



شکل ۲. نقشه تقسیمات سیاسی استان کردستان و شهرستان دهگلان

می‌شوند. مقدار ویژه برای هر عامل نشان دهنده سهم آن عامل از کل واریانس متغیرها است و هر چه مقدار ویژه بزرگتر باشد، نشان دهنده اهمیت و تأثیر بیشتر آن عامل است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، ۴ عامل در قالب ۳۴ متغیر، با مجموع ۸۱/۷۵ درصد واریانس کل، عوامل پیش‌برنده فقر مسکن در نواحی روستایی را تبیین می‌کنند. عامل اول شامل ۱۲ گزاره، عامل دوم شامل ۱۳ گزاره، عامل سوم شامل ۶ گزاره و عامل چهارم شامل ۷ گزاره است. در عامل اول، میزان مقاومت سازه‌ای واحد مسکونی، عمر واحد مسکونی و تناسب طرح‌ها و نقشه‌ها با معماری اصیل و بومی خانه روستایی، بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. در عامل دوم که بیشترین متغیر را در بر می‌گیرد، متغیر تأمین امنیت جانی ساکنین با بار عاملی ۰/۹۲۱، بیشترین میزان اهمیت را دارد و سکونت یک خانوار در یک واحد مسکونی و همچنین تأمین امنیت مالی و دارایی‌های ساکنین در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. برخورداری از خدمات اساسی (حمام، توالت و آشپزخانه)، بهره‌مندی از تأسیسات زیربنایی و انشعابات ضروری از جمله آب، برق، گاز و غیره و همچنین دسترسی به فضاهای بهداشتی و سالم به ترتیب با بار عاملی ۰/۹۲۳، ۰/۹۱۹ و ۰/۷۶۰، مهم‌ترین

شرح و تفسیر نتایج

ابعاد و جنبه‌های گوناگون فقر مسکن مستلزم شناخت زمینه‌های متعدد آن است. زیرا از این طریق تصویری جامع از وضعیت فقر مسکن فراهم می‌شود. به همین منظور در تحقیق حاضر ضمن شناسایی سنجها و متغیرهای گوناگون بررسی میزان فقر مسکن روستایی، از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای خوشه‌بندی و نام‌گذاری مهمترین عوامل پیش‌برنده فقر مسکن روستایی استفاده شد. اما قبل از انجام این تحلیل، باید از کفایت نمونه‌گیری اطمینان حاصل نمود. از این رو برای تعیین مناسب بودن داده‌های گردآوری شده جهت تحلیل عاملی از ضریب KMO و آماره بارتلت استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد مقدار KMO ۰/۸۰۲ بوده و آماره بارتلت با سطح معناداری ۰/۰۰۰، برابر ۳۹۴۱/۲۹ است (جدول ۲) که بیانگر مطلوبیت نمونه‌ها جهت انجام تحلیل عاملی است.

جدول ۲. سطح اطمینان و اعتبار سنجی معیارهای سنجش فقر مسکن

مقدار KMO	ضریب بارتلت	سطح معناداری
۰/۸۰۲	۳۹۴۱/۲۹	۰/۰۰۰

برای تعیین تعداد عامل‌ها از معیار کیسر استفاده شده و عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از ۱ باشند، انتخاب

متغیرهای عامل سوم بوده‌اند. در عامل چهارم، تناسب هزینه نوسازی مسکن با درآمد سرپرست خانوار، تناسب مبلغ وام با هزینه تمام شده ساخت مسکن، تخصیص یارانه توسط دولت جهت تأمین مصالح و وجود قوانین و طرح‌های حمایت از توسعه مسکن روستایی به ترتیب بیشترین میزان بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. (جدول ۳)

جدول ۳. بار عاملی سنجه‌های فقر مسکن روستایی

انحراف معیار	میانگین	عامل‌ها				سوال‌ها
		عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	
۰/۳۳	۴/۵۹				۰/۷۷۵	۹
۰/۱۷	۴/۲۱				۰/۷۹۰	۱۰
۰/۳۹	۴/۳۹				۰/۸۴۶	۱۱
۰/۲۱	۳/۹۹				۰/۷۰۸	۱۲
۰/۳۲	۳/۶۴				۰/۶۹۱	۱
۰/۳۵	۴/۴۱				۰/۸۲۴	۲
۰/۱۷	۴/۶۸				۰/۹۱۱	۳
۰/۲۶	۴/۶۲				۰/۹۳۴	۴
۰/۲۰	۳/۸۲				۰/۶۸۴	۱۹
۰/۳۲	۴/۴۲				۰/۷۱۹	۲۰
۰/۲۶	۳/۹۶				۰/۸۱۶	۲۱
۰/۲۴	۳/۹۴				۰/۷۴۲	۲۲
۰/۲۱	۴/۳۸			۰/۹۲۱		۱۳
۰/۲۲	۴/۲۲			۰/۸۵۲		۱۴
۰/۲۸	۴/۲۳			۰/۷۸۶		۱۵
۰/۳۳	۳/۸۵			۰/۵۹۸		۱۶
۰/۱۷	۴/۱۱			۰/۷۴۵		۱۷
۰/۳۳	۴/۰۶			۰/۷۳۳		۱۸
۰/۲۵	۴/۱۴			۰/۶۰۱		۲۸
۰/۲۹	۳/۸۵			۰/۵۶۷		۲۹
۰/۳۴	۳/۸۹			۰/۶۱۷		۳۰
۰/۲۸	۳/۹۷			۰/۷۰۲		۳۱
۰/۲۹	۴/۰۵			۰/۷۱۱		۳۲
۰/۲۳	۴/۴۷			۰/۸۶۰		۳۳
۰/۳۱	۴/۴۵			۰/۸۰۵		۳۴
۰/۲۴	۴/۷۱		۰/۹۲۳			۲۳
۰/۲۲	۴/۷۷		۰/۹۱۹			۲۴
۰/۰۹	۳/۳۲		۰/۷۶۰			۵
۰/۲۲	۴/۱۱		۰/۵۹۷			۶
۰/۱۶	۴/۲۲		۰/۵۸۶			۷
۰/۳۷	۴/۰۱		۰/۶۱۲			۸

۰/۱۶	۴/۶۵	۰/۸۲۰			۲۵
۰/۳۰	۴/۶۹	۰/۷۹۲			۲۶
۰/۲۷	۴/۲۹	۰/۸۴۵			۲۷
۰/۱۹	۴/۶۲	۰/۹۰۴			۳۵
۰/۲۵	۴/۳۱	۰/۸۷۴			۳۶
۰/۲۱	۳/۷۱	۰/۸۶۶			۳۷
۰/۱۷	۳/۷۰	۰/۵۸۴			۳۸

مختلف در نظر می‌گیرد. عامل سوم با عنوان فقر در برخورداری و بهداشت مسکن نام‌گذاری شد. این عامل با مقدار ویژه ۴/۳۰، بالغ بر ۱۸/۹۱ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند و با مجموع دو عامل قبلی، ۶۴/۰۸ درصد واریانس تجمعی عوامل پیش‌برنده فقر مسکن روستایی را تبیین می‌کند. عامل چهارم با توجه به ماهیت و محتوای گزاره‌ها، با عنوان فقر حمایتی و قانونی در حوزه مسکن روستایی نام‌گذاری شد. این عامل اگرچه در اولویت چهارم قرار گرفته اما مقدار ویژه آن (۳/۸۹)، با سایر عوامل تفاوت چندانی ندارد و ۱۸/۶۷ درصد کل واریانس را در برمی‌گیرد (جدول ۴). این عامل به مواردی از جمله ضعف در قوانین پشتیبانی کننده از مسکن روستایی، عدم تناسب طرح‌ها و پروژه‌های توسعه مسکن و ناکافی بودن تسهیلات و خدمات حمایتی از بخش مسکن روستایی تأکید دارد. در مجموع می‌توان گفت، چهار عامل شناسایی شده، سطح قابل قبولی از فقر مسکن روستایی را پوشش می‌دهند و در این زمینه، ابعاد گوناگون فقر مسکن را می‌سنجند.

عوامل شناسایی شده در تحقیق حاضر، ۸۱/۷۵ درصد مولفه‌های پیش‌برنده فقر مسکن روستایی را تبیین می‌کنند. بر اساس ماهیت و عنوان گزاره‌ها، نام‌گذاری عوامل (جنبه‌های) فقر مسکن روستایی انجام شد که بر اساس آن، عامل اول با عنوان فقر کالبدی و عملکردی مسکن روستایی با مقدار ویژه ۴/۴۷، بالغ بر ۲۵/۱۱ درصد کل واریانس را شامل می‌شود. این عامل به ابعاد کالبدی، معماری و عملکردی مسکن روستایی توجه داشته و در این زمینه، تأکید بر هویت و اصالت فضایی-عملکردی خانه روستایی و همچنین سطح آسیب‌پذیری خانه-های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی در اولویت قرار دارد. عامل دوم که به بحث امنیت و انباشتگی توجه دارد، با مقدار ویژه ۴/۳۲، حدود ۲۰/۰۶ درصد واریانس کل را در برمی‌گیرد و به لحاظ رتبه نیز، در مقایسه با سایر عوامل، در اولویت دوم قرار دارد. این عامل به مسکن به عنوان سرپناهی که حافظ سلامت ساکنین و اموال و دارایی‌های روستاییان (دام‌ها، وسایل کشاورزی) است، توجه داشته و امنیت ساکنین را در ابعاد

جدول ۴. نام‌گذاری عامل‌ها و سهم آن‌ها از واریانس کل

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس ویژه	درصد واریانس تجمعی
فقر کالبدی و عملکردی مسکن	۴/۴۷	۲۵/۱۱	۲۵/۱۱
فقر امنیت و آسایش مسکن	۴/۳۲	۲۰/۰۶	۴۵/۱۷
فقر در برخورداری و بهداشت مسکن	۴/۳۰	۱۸/۹۱	۶۴/۰۸
فقر حمایتی و قانونی	۳/۸۹	۱۷/۶۷	۸۱/۷۵

در ادامه پژوهش، به منظور بررسی وضعیت فقر مسکن در نواحی روستایی شهرستان دهگلان، با در نظر گرفتن عوامل چهارگانه، تعداد ۱۰ زیرمعیار تعیین شد و مجموعاً ۳۶ متغیر مورد ارزیابی قرار گرفت. در این راستا پرسش‌های پرسشنامه به دو دسته تقسیم شد. در بخش اول، میزان اهمیت پاسخ‌دهندگان به هریک از متغیرهای تعیین کننده فقر مسکن مطرح شد و در بخش دوم، کیفیت درک شده و عینیت‌یافته در مسکن جدید و نوسازی شده روستایی با توجه به معیارها

سنجیده شد و با محاسبه تفاوت میان سطح اهمیت متغیرها و ارزش درک شده، از طریق تکنیک سروکوال، مقدار کریپس (اختلاف اهمیت-عملکرد) تبیین و میزان فقر در مسکن جدید سنجیده شد. بر اساس یافته‌ها، در بعد کالبدی، تفاوت میانگین‌ها از لحاظ استحکام ساختمان‌ها، نوع مصالح استفاده شده و عمر واحد مسکونی مثبت بوده، که نشان دهنده کیفیت نسبتاً مناسب مصالح مورد استفاده و استحکام نسبی واحدهای مسکونی است، اما به دلیل کاهش سطح زیربنای خانه، اختلاف

کاهش هدررفت انرژی اشاره کرد. در رابطه با شاخص تراکم که یکی از مهمترین سنج‌های تعیین درجه فقر مسکن روستایی است، می‌توان به تأثیر مثبت نوسازی در سکونت چندخانواری با به عبارتی کاهش تراکم خانوار در واحد مسکونی اشاره کرد، سطح اهمیت این شاخص از دیدگاه ساکنین $4/71$ بوده که عملکرد درک شده برابر $4/77$ است در نتیجه تفاوت میانگین‌ها مثبت و عملکرد نوسازی در این زمینه مطلوب بوده است. شاخص برخورداری نیز از فاکتورهای کلیدی ارزیابی وضعیت فقر مسکن روستایی است که نتایج نشان‌دهنده ارتقا کیفیت مسکن در این زمینه و افزایش میزان رضایتمندی است. به لحاظ بهداشتی نیز، یافته‌ها نشان می‌دهد که در خانه‌های نوسازی شده، محدودیتی وجود ندارد و فقر مسکن در این زمینه مشاهده نمی‌شود. بررسی ابعاد حمایتی دولت از بخش مسکن روستایی نشان می‌دهد که علیرغم بالا بودن سطح انتظارات ساکنین، در این زمینه اقدامات مؤثری انجام نشده که برای نمونه می‌توان به عدم تناسب طرح‌های توسعه مسکن با نوع نیاز و مؤلفه‌های مسکن روستایی هر منطقه اشاره نمود، به طوری که در این زمینه، اختلاف میانگین برابر با $2/48$ است. از بعد مالی نیز، به استثنای دوره بازپرداخت اقساط وام، در سایر زمینه‌ها از جمله تناسب میزان وام با هزینه تمام شده واحد مسکونی و تخصیص یارانه جهت تأمین مصالح (مقرون به صرفه)، محدودیت وجود دارد (جدول ۵).

میانگین به دست آمده برابر با $1/8$ است که نشان‌دهنده فقر مسکن به لحاظ سطح زیربناست. از بعد معیشت محوری مسکن روستایی، علیرغم بالا بودن سطح اهمیت به این شاخص، کیفیت درک شده در همه گزاره‌ها پایین‌تر از حد قابل قبول بوده و اختلاف میانگین در همه موارد منفی است. این بدان معناست که تحت تأثیر کاهش سطح زیربنای خانه‌های جدید روستایی، بسیاری از فضاهای عملکردی حذف یا محدود شده و نهایتاً به معیشت و نوع فعالیت اقتصادی ساکنین آسیب رسانده است. بررسی متغیرهای بعد معماری که به شناخت تناسب میان معماری نوین و معماری سنتی خانه‌ها روستایی پرداخته، نشان می‌دهد که کیفیت مطلوبی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و فقر معماری سنتی در مسکن نوظهور روستایی نمایان شده است. نوسازی مسکن روستایی موجب ارتقا سطح امنیت جانی و مالکیتی روستاییان شده، به همین دلیل مقدار کریپس به دست آمده در این موارد مثبت است، اما در رابطه با متغیرهای امنیت مالی و دارایی‌های خانوار و امنیت محل نگهداری ماشین آلات کشاورزی و همچنین امنیت بیمه‌ای، اختلاف میانگین‌ها به ترتیب $1/19$ ، $1/3$ و $1/51$ بوده است. دلیل این امر را می‌توان در محدود شدن فضاهای خانه‌های جدید و عدم کفاف وام مسکن برای بهسازی یا نوسازی محل نگهداری دام و غیره دانست. از بعد انرژی می‌توان به تأثیر نسبی نوسازی در کاهش مخاطرات ناشی از مصرف سوخت‌های غیر استاندارد جهت تأمین گرمایش خانه و

جدول ۵. میزان اهمیت و کیفیت درک شده از مسکن روستایی جدید توسط ساکنین

عوامل	زیرمعیارها	گزاره‌ها	میانگین اهمیت	میانگین رضایت	اختلاف کیفیت
عامل ۱	کالبدی	نوع مصالح استفاده شده در ساخت مسکن	۳/۶۴	۳/۷۵	۰/۱۱
		سطح زیر بنای واحد مسکونی	۴/۴۱	۲/۶۱	-۱/۸
		میزان مقاومت و استحکام سازه‌های مسکن	۴/۶۸	۴/۸۸	۰/۲
		عمر واحد مسکونی	۴/۶۲	۴/۶۹	۰/۰۳
	معیشت محوری	عملکرد زیستی معیشتی خانه‌ها	۴/۵۹	۲/۵	-۲/۰۹
		وجود فضای کافی و ایمن جهت نگهداری دام	۴/۲۱	۲/۴۲	-۱/۷۹
		وجود فضاهای کارکردی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی	۴/۳۹	۲/۳۱	-۲/۰۸
		وجود فضاهای مربوط به اشتغال زنان در خانه	۳/۹۹	۲/۶۷	-۱/۳۲
		تناسب معماری جدید با معماری اصیل و بومی خانه روستایی	۳/۸۲	۲/۲۷	-۱/۵۵
		توجه به فضاهای متنوع معیشتی در معماری خانه	۴/۴۲	۲/۷۱	-۱/۷۱
عامل ۲	امنیت	تناسب طرح و نقشه‌ها با معماری درونی و بیرونی خانه‌های سنتی	۳/۹۶	۲/۶۵	-۱/۳۱
		تأمین امنیت جانی ساکنین	۴/۳۸	۴/۷۳	۰/۳۵
		تأمین امنیت مالی و دارایی‌های خانوار(دام و ...)	۴/۲۲	۳/۰۳	-۱/۱۹

۰/۱۹	۳/۴۲	۴/۲۳	پایداری و پویایی اشتغال و درآمد ساکنین	انرژی	عامل ۳
۰/۱۱	۳/۹۶	۳/۸۵	وجود امنیت در مالکیت مسکن		
-۱/۳	۲/۸۱	۴/۱۱	ایمن بودن محل نگهداری دام، علوفه، ماشین آلات کشاورزی و ...		
-۱/۵۱	۲/۵۵	۴/۰۶	دارا بودن امنیت بیمه‌ای خانه در مواقع خسارت دیدگی		
۰/۱۸	۴/۳۲	۴/۱۴	استاندارد بودن سوخت مصرفی خانوارها		
-۰/۱۸	۳/۶۷	۳/۸۵	تاثیر بر صرفه‌جویی در انرژی		
۰/۰۲	۳/۹۱	۳/۸۹	تسهیل تامین گرمایش و سرمایش خانه‌ها		
۰/۳۱	۴/۲۸	۳/۹۷	استاندارد بودن سوخت‌های مصرفی		
-۰/۴۲	۳/۶۳	۴/۰۵	به حداقل رسیدن هزینه انرژی مصرفی خانوار		
۰/۱	۴/۵۷	۴/۴۷	سکونت یک خانوار در یک واحد مسکونی		
-۰/۶۶	۳/۷۹	۴/۴۵	تراکم قابل قبول تعداد افراد در اتاق	برخورداری	عامل ۴
۰/۰۶	۴/۷۷	۴/۷۱	برخورداری از خدمات اساسی(حمام، توالت، آشپزخانه)		
۰/۰۴	۴/۸۱	۴/۷۷	برخورداری از انشعابات ضروری(برق، گاز، آب، تلفن و ...)	بهداشت	
۰/۰۴	۴/۶۰	۴/۵۶	دسترسی به فضاهای بهداشتی و سالم		
۰/۱۳	۴/۲۴	۴/۱۱	جدایی فضای نگهداری دام از محل استراحت و سکونت		
۰/۰۷	۴/۲۹	۴/۲۲	بهره‌مندی از آب آشامیدنی سالم	سیاست و قوانین	
۰/۳۷	۴/۳۸	۴/۰۱	بهره‌مندی از فضای پخت و پز بهداشتی		
-۰/۸۴	۳/۸۱	۴/۶۵	وجود قوانین و طرح‌های حمایت از توسعه مسکن روستایی	مالی	
-۲/۴۸	۲/۲۲	۴/۶۹	اجرای پروژه‌های توسعه مسکن، متناسب با ویژگی هر منطقه		
-۰/۲۵	۴/۰۴	۴/۲۹	ارتقاء سطح حمایت‌های دولتی در قالب وام و تسهیلات	مالی	
-۱/۲۵	۳/۳۷	۴/۶۲	تناسب هزینه نوسازی مسکن با درآمد سرپرست خانوار		
-۰/۳۳	۳/۹۸	۴/۳۱	تناسب مبلغ وام با هزینه تمام شده ساخت مسکن		
-۱/۵۸	۲/۱۳	۳/۷۱	تخصیص یارانه توسط دولت جهت تامین مصالح		
۰/۱۹	۳/۸۹	۳/۷۰	تناسب مبلغ بازپرداخت اقساط با درآمد خانوارها		

نوظهور از دیدگاه ساکنین در همه موارد بالاتر از حد متوسط (۳) بوده که نشان از رضایت نسبی است اما به دلیل بالا بودن سطح انتظارات از مسکن جدید، تفاوت میانگین به صورت منفی نمایان شده است. در رابطه با زیرمعیار برخورداری و بهداشت مسکن، شکاف میانگین به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۱۵ بوده که نشان دهنده وضعیت مطلوب‌تر در این زمینه است (جدول ۶).

بررسی کلی زیرمعیارهای سنجش فقر مسکن روستایی شهرستان دهگلان نشان می‌دهد که در زمینه‌های کالبدی، معیشت محوری، معماری، امنیت، انرژی، تراکم، سیاست و قوانین و مالی، سطح اولویت‌ها بالاتر از کیفیت درک شده در مسکن جدید است و شکاف میانگین‌ها در موارد یاد شده منفی است. اگرچه باید اذعان کرد که کیفیت پدیدار شده در مسکن

جدول ۶. میزان اهمیت و کیفیت درک شده از معیارهای محوری مسکن جدید توسط ساکنین

میزان شکاف	کیفیت درک شده	سطح اهمیت	معیارها
-۰/۳۶	۳/۹۸	۴/۳۴	کالبدی
-۱/۸۲	۲/۴۸	۴/۲۹	معیشت محوری
-۱/۵۱	۲/۵۴	۴/۰۶	معماری
-۰/۲۸	۳/۸۶	۴/۱۴	امنیت
-۰/۰۲	۳/۹۶	۳/۹۸	انرژی

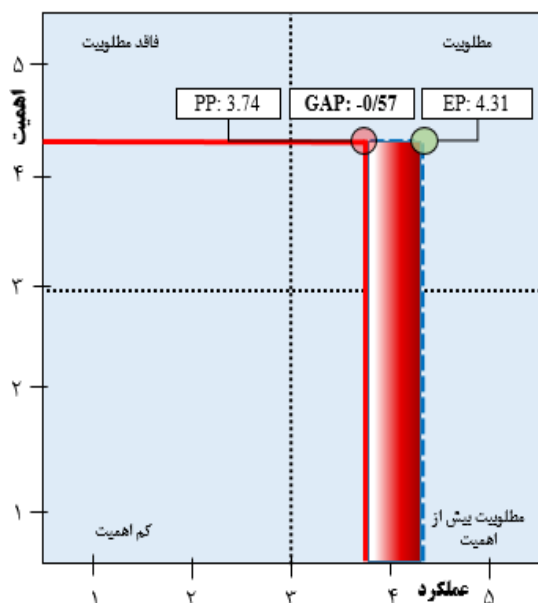
تراکم	۴/۴۶	۴/۱۸	-۰/۲۸
برخورداری	۴/۷۴	۴/۷۹	۰/۰۵
بهداشت	۴/۲۳	۴/۳۸	۰/۱۵
سیاست و قوانین	۴/۵۴	۳/۳۶	-۱/۲
مالی	۴/۰۹	۳/۳۴	-۰/۷۵

در ادامه تحقیق، به منظور ارزیابی کلی از وضعیت فقر در مسکن جدید روستایی، بر اساس چهار عامل شناسایی شده، سطح اهمیت به عوامل و وضعیت موجود و عینیت یافته بررسی شد. بر این اساس فقر کالبدی و عملکردی مسکن با اختلاف میانگین ۱/۲۳، بیشترین شکاف منفی و فقر امنیت و آسایش مسکن با اختلاف میانگین -۰/۱۹، کمترین شکاف میانگین منفی را به خود اختصاص داده‌اند. فقر در برخورداری و بهداشت در مسکن جدید وجود نداشته و سطح کیفیت درک شده، از حد مورد انتظار بیشتر است. در مجموع، میزان فقر در مسکن جدید

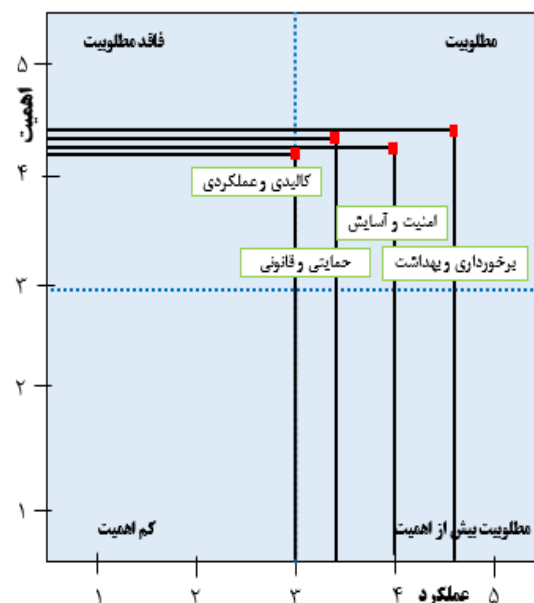
روستاهای شهرستان دهگلان دارای شکاف میانگین -۰/۵۷ است. بنابراین اگرچه کیفیت درک شده (۳/۷۴)، وضعیت نسبتاً مطلوبی دارد، اما کیفیت مورد انتظار (۴/۳۱) بالاتر از عملکرد بوده است (جدول ۷). به منظور درک بهتر وضعیت فقر مسکن جدید روستاهای مورد مطالعه، از ماتریس دو محوری IPA استفاده شد که بر مبنای آن، اگر چه نیاز به انجام اقدامات اصلاحی و حمایتی بیشتری وجود دارد، وضعیت مسکن روستایی در همه زمینه‌ها در موقعیت مطلوبی قرار دارد (شکل‌های ۳ و ۴).

جدول ۷. میزان اهمیت و کیفیت جنبه‌های اصلی فقر روستایی

میزان شکاف	کیفیت درک شده	سطح اهمیت	معیارها
-۱/۲۳	۳	۴/۲۳	فقر کالبدی و عملکردی مسکن
-۰/۱۹	۴	۴/۱۹	فقر امنیت و آسایش مسکن
۰/۱	۴/۵۹	۴/۴۹	فقر در برخورداری و بهداشت مسکن
-۰/۹۷	۳/۳۵	۴/۳۲	فقر حمایتی و قانونی
-۰/۵۷	۳/۷۴	۴/۳۱	مجموع عوامل



شکل ۴. شکاف کلی اهمیت- کیفیت فقر مسکن



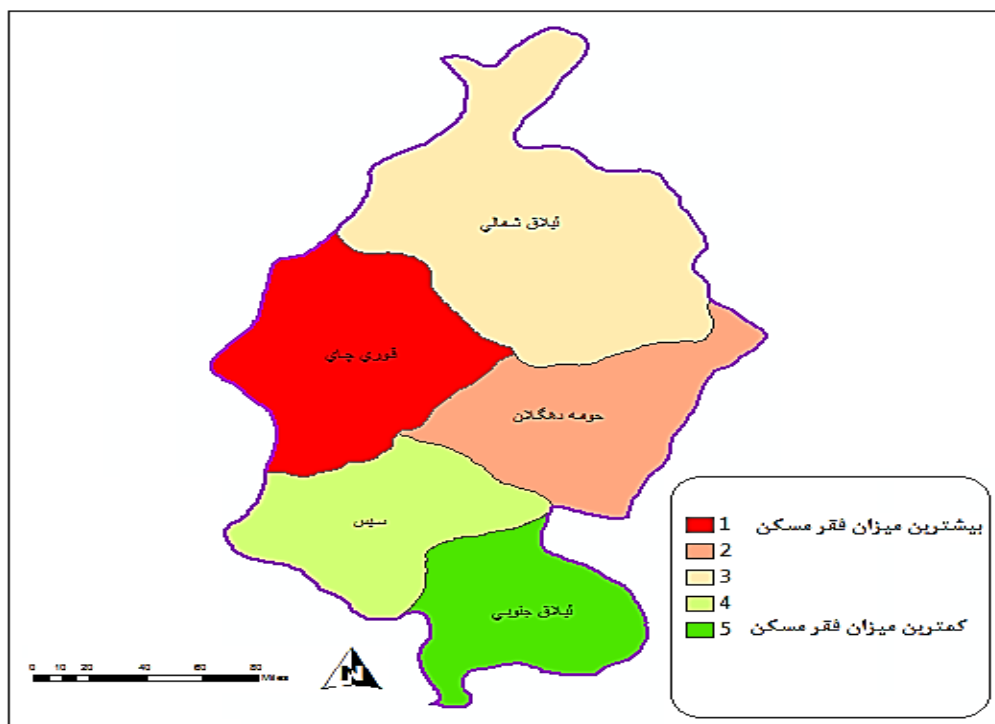
شکل ۳. موقعیت عوامل چهارگانه بر روی ماتریس IPA

دهستان‌های حومه دهگلان و ئیلاق شمالی قرار دارند که شاخص سرشماری فقر مسکن در آن‌ها به ترتیب ۰/۱۷ و ۰/۱۸ است. نکته قابل تأمل این است هر سه دهستان یاد شده که در اولویت اول تا سوم بدمسکنی قرار گرفته‌اند، در بخش مرکزی شهرستان قرار دارند. دهستان سیس با ضریب ۰/۱۶ در رتبه چهارم و دهستان ئیلاق جنوبی که دارای ۲۰ روستای دارای سکنه است، در جایگاه پنجم قرار گرفته و از این نظر، بهترین وضعیت مسکن روستایی را به لحاظ استحکام سازه‌ای دارد (جدول ۸ و شکل ۵).

در ادامه پژوهش به منظور اولویت‌بندی دهستان‌های شهرستان دهگلان به لحاظ وضعیت فقر مسکن روستایی، ضمن در نظر گرفتن یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده فقر مسکن (مقاومت و استحکام بنا)، به واسطه روش نسبت سرشمار فقر، میزان فقر مسکن روستایی مورد ارزیابی قرار گرفت و بر اساس آن، اولویت‌بندی دهستان‌ها صورت گرفت. داده‌ها نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های روستایی دهستان قوری‌چای واقع در بخش مرکزی شهرستان، با ضریب ۰/۲۶، دارای بیشترین میزان فقر مسکن روستایی و پس از آن،

جدول ۸. میزان فقر مسکن روستایی از بعد استحکام سازه

ردیف	نام دهستان	مقاوم	نیمه مقاوم	غیر مقاوم	شاخص HI	رتبه
۱	ئیلاق شمالی	۲۸	۹۷۲	۲۰۷	۰/۱۷	۳
۲	حومه دهگلان	۲۰۹	۱۳۹۰	۳۵۱	۰/۱۸	۲
۳	قوری‌چای	۳۳۵	۱۲۵۰	۵۴۷	۰/۲۶	۱
۴	ئیلاق جنوبی	۶۵۸	۱۷۷۸	۲۰۰	۰/۰۷۵	۵
۵	سیس	۳۴۵	۱۱۷۶	۲۹۳	۰/۱۶	۴



شکل ۵. نقشه توزیع فضایی فقر مسکن روستایی به لحاظ استحکام سازه ای

مسکن تبدیل شده، زیرا آثار و پیامدهای منفی محرومیت از مسکن مناسب، موجب تشدید فقر در سایر ابعاد و تبدیل شدن فقر به پدیده‌ای مزمن در مناطق روستایی شده است. با توجه

بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر فقر مسکن به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد فقر در نواحی روستایی، به چالشی جدی برای سیاست‌گذاران حوزه

به اهمیت این مسئله، در پژوهش حاضر، مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده فقر مسکن در نواحی روستایی (فقر کالبدی و عملکردی مسکن، فقر امنیت و آسایش مسکن، فقر در برخورداری و بهداشت مسکن) شناسایی شد، سپس بر اساس شاخص‌های تعیین شده، وضعیت فقر مسکن در مناطق روستایی شهرستان دهگلان مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بر مبنای شاخص نسبت سرشمار فقر، نسبت به اولویت‌بندی دهستان‌های شهرستان دهگلان به لحاظ درجه فقر مسکن روستایی اقدام شد.

بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مسکن نوین روستایی، سیما و ماهیت فقر را در مناطق روستایی دگرگون کرده و در برخی جنبه‌ها، فقر مسکن به طور چشم‌گیری کاهش یافته است. با توجه به اهمیت ویژه ابعاد کالبدی و عملکردی مسکن روستایی، سیاست‌های توسعه مسکن روستایی در این زمینه، نتایج متمایز و دوگانه‌ای در پی داشته، به طوری که از یک سو به واسطه تحول در فرایند ساخت و ساز و نظارت مستمر و همچنین بهره‌گیری از مصالح مرغوب و مقاوم و مبنای قرار دادن استحکام و دوام سازه‌های خانه‌های جدید به عنوان اصلی مهم، امنیت جانی ساکنین ارتقا یافته و به مسکن به عنوان فضایی خصوصی و ایمن نگریسته شده است. اما از سوی دیگر، با کاهش سطح زیربنای واحدهای مسکونی، که در نتیجه تحمیل غیر مستقیم نقشه‌های پیشنهادی از سوی متولیان توسعه مسکن روستایی و عدم کفایت تسهیلات پرداختی برای ساخت مساکن بزرگتر پدیدار شده، بسیاری از فضاهای کارکردی خانه‌های روستایی از جمله محل نگهداری دام، محل استقرار ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، انبار علوفه و غیره، حذف یا محدود شده‌اند. بنابراین، تغییرات صورت گرفته، علیرغم اینکه ناامنی مسکن را به لحاظ مقاومت سازه‌ای کاهش داده، اما فقر عملکردی مساکن روستایی را نمایان ساخته است. زیرا معیشت ساکنین نواحی روستایی به فضاها و ساختار منحصر به فرد خانه سنتی روستایی پیوند خورده و هرگونه اعمال تغییر در این نظم کالبدی و فیزیکی، اقتصاد و معیشت خانوارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییر در معماری بومی و سنتی خانه‌های روستایی، که در نتیجه نوسازی مساکن نمایان شده، موجب شکل‌گیری سیما و منظر شبه شهری در روستاها شده و فقر معماری سنتی را در مسکن روستایی به همراه داشته است.

از بعد اجتماعی، تحولات مثبتی در مسکن روستایی صورت گرفته و فقر مسکن در زمینه‌های مختلف از جمله سرانه‌ها و تراکم خانوار، بهبود یافته است. با نوسازی خانه‌ها و کاهش سطح زیربنا، امکان سکونت چند خانواری در یک واحد مسکونی به حداقل رسیده و همین عامل، فقر اجتماعی مسکن روستایی را کاهش داده و بر رضایت‌مندی ساکنین افزوده است. همچنین با ساخت و ساز جدید و الزام ساکنین بر اخذ سند مالکیت رسمی واحد مسکونی، تملک مساکن روستایی از حالت غیر رسمی (قولنامه‌ای) به شکل رسمی و قانونی تغییر یافته که تحولی مثبت در این زمینه به شمار می‌رود. امنیت آموزشی فرزندان و فراهم شدن فضایی مناسب برای مطالعه و یادگیری ایمن، که در نتیجه کاهش تراکم افراد در واحد مسکونی پدیدار شده، از دیگر جنبه‌های کاهش فقر اجتماعی در مسکن روستایی است. از نظر اقتصادی نیز، با سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته به ویژه از بعد مالی و ارائه تسهیلات نوسازی، توان اقتصادی خانوارها برای بهبود کیفیت واحد مسکونی افزایش یافته و با ساخت و ساز کنترل شده و هدفمند، در مصرف سوخت و کاهش هزینه‌های انرژی، صرفه‌جویی شده است. اگرچه تغییر در فضاهای عملکردی، بر درآمد، نوع معیشت و اقتصاد خانوار تأثیر گذاشته و از این نظر، به نوعی نارضایتی منتهی شده است. یافته‌ها نشان داد که اولویت‌های ساکنین در برخی زمینه‌های مسکن به ویژه از بعد کالبدی و کارکردی، نسبتاً بالا بوده و این مسئله، اهمیت ویژه معیشت محوری مساکن روستایی و امنیت کالبدی را نمایان می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت، اگرچه کیفیت مسکن جدید روستایی در ابعاد گوناگون وضعیت نسبتاً مطلوبی داشته و فقر مسکن روستایی در ابعاد مختلف کاهش یافته، اما تفاوت‌هایی میان میانگین مورد انتظار و کیفیت درک شده وجود دارد که موجب پدیدار شدن نوعی ضعف به ویژه در در زمینه‌های کالبدی و اقتصادی شده که دلیل عمده آن، تغییر در فضاهای متنوع خانه‌های بومی و پایین بودن تسهیلات پرداختی است. نتایج تحقیق در این زمینه با یافته‌های اطهاری (۱۳۸۴)، محمدی‌یگانه و همکاران (۱۳۹۶)، شیروانیان و همکاران (۱۳۹۲) و پورغفار مغفرتی و حق‌پرست (۱۳۸۳)، مطابقت دارد. به طور کلی می‌توان گفت که نوسازی مسکن، لزوماً به معنای پایان دادن به فقر مسکن روستایی نیست، اما در کاهش آن نقش چشمگیری دارد.

منابع

- اطهراری، کمال (۱۳۸۴). فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۱۱۳-۱۲۸.
- پورغفار مغفرتی، محمدرضا و پوررمضان، عیسی (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در نواحی روستایی استان گیلان. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۰(۲)، ۲۷۰-۲۵۰.
- راغفر، حسین و یوسفوند، فاطمه (۱۳۹۶). فقر مسکن و تغذیه کودکان در شهر تهران-۱۳۹۰. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۷(۳)، ۱۵۹-۱۹۱.
- ریاحی، وحید، پریزادی، طاهر و سنگین‌استادی، علی (۱۳۹۶). تحلیل الگوهای تامین مسکن در نواحی روستایی، مورد: شهرستان تایباد باخرز. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶(۲)، ۱۳۷-۱۵۴.
- سخلوت‌دوست، نوشین و البرزی، فریبا (۱۳۹۷). تاملی بر نشانه‌شناسی فضاهای ورودی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین از دیدگاه فردینان دو سوسور، چارلز سندرس پیرس و امبرتو اکو. *نشریه هویت شهر*، ۱۲(۲)، ۷۹-۹۶.
- شفایی، مینو (۱۳۹۷). الگوی طراحی مسکن روستایی، مطالعه موردی: روستای هنجن. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۷(۶)، ۳۳-۴۶.
- شیروانیان، عبدالرسول و بخشوده، محمد (۱۳۹۱). فقر مسکن روستایی و استراتژی‌های مقابله با آن در ایران. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۱(۱۴۰)، ۱۱۵-۱۰۱.
- شیروانیان، عبدالرسول، بخشوده، محمد و مهرجو، سعید (۱۳۹۲). مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چند بعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران. *نشریه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۵(۳)، ۸۱-۶۵.
- غفاری، غلامرضا و حق‌پرست، عباس (۱۳۸۳). نشانگرهای فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان آزادشهر). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۴)، ۳۲-۴۸.
- قادرمرزی، حامد و بهمنی، افشین (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد فقر مسکن با تاکید بر عملکرد اقتصادی مساکن روستایی شهرستان دهگلان (مطالعه موردی: دهستان نیلاق
- جنوبی). *دومین همایش ملی چشم‌انداز توسعه پایدار روستایی ایران*، تهران، دانشگاه خوارزمی.
- قادرمرزی، حامد، جمینی، داوود، جمشیدی، علیرضا و چراغی، رامین (۱۳۹۲). تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲(۳)، ۹۳-۱۱۳.
- قدیری معصوم، مجتبی و اکبرپور سراسکانرود، محمد (۱۳۹۰). تحلیل نقش دولت از ساخت مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه (مطالعه موردی: برنامه چهارم توسعه کشور). *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۱۱(۳۴)، ۷۴-۱۰۱.
- کریمی، مهشید، عیسی، حجت و شهبازی‌چگنی، بهروز (۱۳۹۷). جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. *ماهنامه باغ نظر*، ۱۵(۶۱)، ۱۶-۵.
- محمدی‌یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، جمشیدی، محمدکاظم و بیات، مجید (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت فقر مسکن خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان). *اولین کنفرانس ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی*، دانشگاه زنجان.
- مظاهری، مجتبی، دژدار، امید و موسوی، سیدجلیل (۱۳۹۷). تحلیل نقش حیات در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره‌گیری از روش نحو فضا (Space Syntax). *نشریه هویت شهر*، ۱۲(۲)، ۱۰۸-۹۷.
- موسوی‌پور، محمدیاسر (۱۳۹۷). بازخوانی مفهوم تزئین در مسکن روستایی ایران (مطالعه موردی: تزئینات مسکن در روستای اوان، استان قزوین). *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۷(۱۶۲)، ۳-۲۰.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۶). توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق ۲۲گانه تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶(۲۴)، ۲۴۰-۲۶۳.
- یاسوری، مجید و امامی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۷). سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان سراوان شهرستان رشت). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸(۴۸)، ۹۵-۱۱۴.

ALKIRE, S., ROCHE, J.M., & VAZ, A.(2017), Changes Over Time in Multidimensional Poverty: Methodology and Results for 34 Countries. *World Development*, 94, 232-249.

Arouria, M., Youssef, A.B., & Nguyen, C.(2017), Does urbanization reduce rural poverty? Evidence from Vietnam. *Economic Modelling*, 60, 253-270.

- Benevenuto, R., & Caulfield, B.(2019), Poverty and transport in the global south: An overview. *Transport Policy*, 79, 115-124.
- Birch, J.(2015), HOUSING AND POVERTY, Inspiring Social Change.
- Burlinson, A., Giulietti, M., & Battisti, G.(2018), The elephant in the energy room: Establishing the nexus between housing poverty and fuel poverty. *Energy Economics*, 72, 135–144.
- Chen J., Wang, Y., We, J., Fang, F., & Song, M. (2016), The influences of aging population and economic growth on Chinese rural poverty. *Journal of Rural Studies*, 47, 665-676.
- Delgado, J.E., & Klasen, S.(2018), Gender and multidimensional poverty in Nicaragua: An individual based approach. *World Development*, 110, 466-491.
- Fitzpatrick, T.(2001)Welfare Theory an Introduction, NEW York, Palgrave.
- Gibb, K., Stephens, M., Wright, S., Reusche, D., Besemer, K. & Sosenko, F. (2015), *Housing and work incentives*. York: JRF.
- Griggs, D., Stafford-Smith, M., Gaffney, O., Rockström, J., Öhman, M.C., Shyamsundar, P., Steffen, W., Glaser, G., Kanie, N., & Nobel, I.O. (2013). Policy: sustainable development goals for people and planet. *Nature*, 495, 305–307.
- Hansen, J., Hellin, J., Rosenstock, T., Fisher, E., Cairns, J., Stirling, C., Lamanna, S., Etten, J.V., Rose, A., & Campbell, B.(2019), Climate risk management and rural poverty reduction. *Agricultural Systems*, 172, 28-46.
- Li E., Deng Q., & Zhou, Y.(2019), Livelihood resilience and the generative mechanism of rural households out of poverty: An empirical analysis from Lankao County, Henan Province, China. *Journal of Rural Studies*, Available online 23 January 2019, <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2019.01.005>.
- Lo, K., Xue, L., & Wang, M.(2016), Spatial restructuring through poverty alleviation resettlement in rural China. *Journal of Rural Studies*, 47, 496-505.
- Nakabashi, L.(2018), Poverty and economic development: Evidence for the Brazilian states. *Economia*, 19, 445-458.
- Naveed, A., & Islam, T.(2010), Estimating Multidimensional Poverty and Identifying the Poor in Pakistan: An Alternative Approach. *Research Consortium on Educational Outcomes and Poverty*, 28, 1–38.
- O’Sullivan, K.C., Howden-Chapman, P., Sim, D., Stanley, J., Rowan, R.L., Clark, I.K., & Morrison, L.(2017), Cool? Young people investigate living in cold housing and fuel poverty. A mixed methods action research study, *SSM - Population Health*, 3, 66–74.
- Sengupta, U.(2010). The hindered self-help: housing policies, politics and poverty in Kolkata, India. *Habitat International*, 34, 323-331.
- T.Vo, T.(2018), Household vulnerability as expected poverty in Vietnam. *World Development Perspectives*, 10-12, 1-14.
- Thiede, C., Lichter, D.T., & Slack, T.(2016), Working, but poor: The good life in rural America?. *Journal of Rural Studies*, 59, 183-193.
- UNICEF,(2005), *The State of the World of the Children-Childhood under Threat*, UNICEF, New York.
- Zhou, Y., Guo, L., & Liu, Y.(2019). Land consolidation boosting poverty alleviation in China: theory and practice. *Land Use Pol*, 82, 339–348.

